

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

﴿ ۱ ﴾ الْحَاقَّةُ

فولادوند: آن رخ دهنده

مکارم: آن روزی که مسلما واقع می‌شود.

﴿ ۲ ﴾ مَا الْحَاقَّةُ

فولادوند: چیست آن رخ دهنده

مکارم: چه روز واقع شدنی است؟

﴿ ۳ ﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ

فولادوند: و چه دانی که آن رخ دهنده چیست

مکارم: و تو چه می‌دانی آن روز تحقق یابنده چیست؟

﴿ ۴ ﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ

فولادوند: ثمود و عاد آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند

مکارم: قوم ثمود و عاد عذاب کوبنده الهی را انکار کردند.

﴿ ۵ ﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

فولادوند: اما ثمود به [سزای] سرکشی [خود] به هلاکت رسیدند

مکارم: اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند.

﴿ ۶ ﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ

فولادوند: و اما عاد به [وسیله] تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند

مکارم: و اما قوم «عاد» به وسیله تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند.

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

﴿ ۷ ﴾

فولادوند: [که خدا] آن را هفت‌شب و هشت روز بیابی بر آنان بگماشت در آن [مدت] مردم را فرو افتاده می‌دیدى گویی آنها

تنه‌های نخلهای میان تهی‌اند

مکارم: (خداوند) این تندباد را هفت شب و هشت روز پی در پی و بنیانکن بر آنها مسلط ساخت و (اگر آنجا بودی) می‌دیدى که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تندباد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند.

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

فولادوند: آیا از آنان کسی را بر جای می‌بینی

مکارم: آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی ؟

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالنَّخَاطِطِ ﴿٩﴾

فولادوند: و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و [مردم] شهرهای سرنگون شده [سدوم و عاموره] مرتکب خطا شدند
مکارم: و فرعون و کسانی که قبل از او بودند، و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) مرتکب گناهان بزرگ شدند.

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَّابِيَةً ﴿١٠﴾

فولادوند: و از امر فرستاده پروردگارشان سرپیچی کردند و [خدا هم] آنان را به گرفتنی سخت فرو گرفت
مکارم: با فرستاده رسول پروردگارشان مخالفت کردند، و خداوند نیز آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت.

إِنَّا لَمَّا طَعَى الْمَاءَ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾

فولادوند: ما چون آب طغیان کرد شما را بر کشتی سوار نمودیم
مکارم: ما هنگامی که آب طغیان کرد شما را سوار بر کشتی کردیم.

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ ﴿١٢﴾

فولادوند: تا آن را برای شما [مايه] تذکری گردانیم و گوشهای شنوا آن را نگاه دارد
مکارم: تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم، و گوشهای شنوا آن را نگهداری می‌کنند.

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

فولادوند: پس آنگاه که در صور يك بار دمیده شود
مکارم: به محض اینکه یکبار در صور دمیده شود،

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾

فولادوند: و زمین و کوهها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها با يك تکان ریز ریز گردند
مکارم: و زمین و کوهها از جا برداشته شوند و یکباره درهم کوبیده و متلاشی گردند،

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾

فولادوند: پس آن روز است که واقعه [آنچنانی] وقوع یابد

مکارم: در آن روز «واقعه عظیم» روی می‌دهد!

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فِيهَا يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةً ﴿١٦﴾

فولادوند: و آسمان از هم بشکافتد و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد

مکارم: آسمانها از هم می‌شکافتند و سست می‌گردند و فرو می‌ریزند.

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ ﴿١٧﴾

فولادوند: و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند و عرش پروردگارت را آن روز هشت [فرشته] بر سر خود بر می‌دارند

مکارم: فرشتگان در جوانب و کناره‌های آسمان قرار می‌گیرند. (و برای انجام ماموریتها آماده می‌شوند) و آن روز عرش پروردگارت را

هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می‌کنند.

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾

فولادوند: در آن روز شما [به پیشگاه خدا] عرضه می‌شوید [و] پوشیده‌ای از شما پوشیده نمی‌ماند

مکارم: در آن روز همگی به پیشگاه خدا عرضه می‌شوید، و چیزی از کارهای شما مخفی نمی‌ماند.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أَدْرَأُ كِتَابِيَةَ ﴿١٩﴾

فولادوند: اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود گوید بیایید و کتابم را بخوانید

مکارم: اما کسی که نامه اعمالش به دست راست او است (از فرط خوشحالی و مباهات) فریاد می‌زند که (ای اهل محشر!) نامه

اعمال مرا بگیرید و بخوانید.

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: من یقین داشتم که به حساب خود می‌رسم

مکارم: من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و) من به حساب اعمالم می‌رسم.

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾

فولادوند: پس او در يك زندگی خوش است

مکارم: او در يك زندگی کاملا رضایتبخش قرار خواهد داشت.

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾

فولادوند: در بهشتی برین

مکارم: در بهشتی عالی،

﴿۲۳﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ

فولادوند: [که] میوه هایش در دسترس است

مکارم: که میوه هایش در دسترس است.

﴿۲۴﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

فولادوند: بخورید و بنوشید گواراتان باد به [پاداش] آنچه در روزهای گذشته انجام دادید

مکارم: (و به آنها گفته می شود) بخورید و بیاشامید گوارا در برابر اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید.

﴿۲۵﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ

فولادوند: و اما کسی که کارنامه اش به دست چپش داده شود گوید ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم

مکارم: اما کسی که نامه اعمال او به دست چپش داده شده می گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی شد.

﴿۲۶﴾ وَلَمْ أَدْر مَا حِسَابِيَهٗ

فولادوند: و از حساب خود خبردار نشده بودم

مکارم: و نمی دانستم حساب من چیست ؟

﴿۲۷﴾ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ

فولادوند: ای کاش آن [مرگ] کار را تمام می کرد

مکارم: ای کاش مرگم فرا می رسید!

﴿۲۸﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ

فولادوند: مال من مرا سودی نبخشید

مکارم: مال و ثروتم هرگز مرا بینای نکرد،

﴿۲۹﴾ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ

فولادوند: قدرت من از [کف] من برفت

مکارم: قدرت من نیز از دست رفت!

﴿۳۰﴾ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ

فولادوند: [گویند] بگیرید او را و در غل کشید

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: او را بگیرد و در بند و زنجیرش کنید!

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ ﴿٣١﴾

فولادوند: آنگاه میان آتشش اندازد

مکارم: سپس او را در دوزخ بیفکنید!

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾

فولادوند: پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید

مکارم: بعد او را به زنجیری که هفتاد ذرع است ببندید!

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾

فولادوند: چرا که او به خدای بزرگ نمی‌گروید

مکارم: چرا که او هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی‌آورد.

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿٣٤﴾

فولادوند: و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد

مکارم: و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌نمود.

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾

فولادوند: پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست

مکارم: لذا امروز در اینجا یار مهربانی ندارد.

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾

فولادوند: و خوراکی جز چرکابه ندارد

مکارم: و نه طعامی جز از چرک و خون.

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِؤُونَ ﴿٣٧﴾

فولادوند: که آن را جز خطاکاران نمی‌خورند

مکارم: غذائی که جز خطاکاران آن را نمی‌خورند.

فَلَا أَقْسَمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾

فولادوند: پس نه [چنان است که می‌پندارید] سوگند یاد می‌کنم به آنچه می‌بینید

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: سوگند می‌خورم به آنچه می‌بینید.

وَمَا لَأَنْتُمْ بِبَصِيرُونَ ﴿٣٩﴾

فولادوند: و آنچه نمی‌بینید

مکارم: و آنچه نمی‌بینید.

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾

فولادوند: که [قرآن] قطعا گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است

مکارم: که این قرآن گفتار رسول بزرگوار است.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

فولادوند: و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید

مکارم: و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می‌آورید.

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: و نه گفتار کاهنی [که] کمتر [از آن] پند می‌گیرید

مکارم: و نه گفته کاهنی، هر چند کمتر متذکر می‌شوید.

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: [پیام] فرودآمده‌ای است از جانب پروردگار جهانیان

مکارم: بلکه کلامی است که از سوی پروردگار عالمیان نازل شده.

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾

فولادوند: و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود

مکارم: هرگاه او سخنی دروغ بر ما می‌بست،

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾

فولادوند: دست راستش را سخت می‌گرفتیم

مکارم: ما او را با قدرت گرفتیم،

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم!

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٧﴾

فولادوند: و هیچ يك از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد.

مکارم: واحدی از شما نمی‌توانست مانع شود و از او حمایت کند.

وَإِنَّهُ لَتَذْكُرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: و در حقیقت [قرآن] تذکاری برای پرهیزگاران است.

مکارم: این مسلمان تذکری است برای پرهیزگاران.

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

فولادوند: و ما به راستی می‌دانیم که از [میان] شما تکذیب‌کنندگانی هستند.

مکارم: و ما می‌دانیم که بعضی از شما آن را تکذیب می‌کنید.

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾

فولادوند: و آن واقعا بر کافران حسرتی است.

مکارم: و این مایه حسرت کافران است.

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾

فولادوند: و این [قرآن] بی‌شبهه حقیقتی یقینی است.

مکارم: و آن یقین خالص است.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

فولادوند: پس به [پاس] نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.

مکارم: حال که چنین است بنام پروردگار بزرگت تسبیح گو.

